

السؤال الملحق

پرسش پیوست

این پیوست جزو متن اصلی کتاب نیست و توسط مترجم اضافه شده است و متن آن از کتاب «در محضر عبد صالح (ع) جلد دوم» می باشد که عیناً [به همراه متن عربی آن] آورده شده است.

روایه تَبَّرَ اللهُ عمره:

روایتِ خداوند عمرش را تباه گرداند

أوضح السيد أحمد الحسن (ع) في كتابه «الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلال»، أحد إصدارات الدعوة اليمانية المباركة، وهو منشور في الموقع الرسمي، أوضح (ع) بما لا يقبل الشك حجية الوصية المقدسة وصدق المحتج بها، قرأنا وسنة وعقلاً.

وكان من ضمن ما جاء في الكتاب بيان لمعنى رواية «تَبَّرَ اللهُ عمره» بالنسبة للمدعي باطلاً.

سید احمد الحسن (ع) در یکی از کتاب های انتشارات دعوت مبارک یمانئ به نام «وصیت مقدس، نوشتارِ بازدارنده از گمراهی» که در سایت رسمی نیز منتشر شده است، توضیحی داده که جای هیچ شک و شبهه ای در خصوص حجیت وصیت مقدس و صدق کسی که به آن محاجه کند چه از دید قرآن و چه از دید سنت یا عقل بر جای نمی گذارد.

از جمله مواردی که در این کتاب آمده است تبیین معنای روایت «خداوند عمر او را تباه گرداند» برای مدعی دروغین می باشد.

وفي هذا قال (ع):

إني وجدت أنّ الأنصار غير واضح عندهم معنى رواية "تبرّ الله عمره"، وأين موضعها. أسأل الله أن ينفعكم به لبيان الحق للمؤمنين، وأن يُعلي كعبكم ويظهر حجتكم على الظالمين.

ایشان (ع) در این خصوص فرمود:

من دریافتم که معنای روایت «تبرّ الله عمره» و وضعیت آن، برای انصار قدری مبهم است. از خداوند تقاضا دارم که شما را از آن برای بیان حق برای مؤمنین بهره‌مند گرداند و مقام و منزلت شما را بالا ببرد و حجت شما را بر ظالمین آشکار گرداند!

ولكلّ من قرأ الكتاب، أقول:

إنّ الدليل العقلي الذي أوضحه السيد أحمد الحسن (ع) في كتابه، يثبت استحالة ادعاء النص التشخيصي لخليفة الله؛ لوضوح اللوازم الواجب تنزيه الله سبحانه عنها. ولكن ما فهمته ابتداءً من الدليل القرآني والروائي هو (مصروفية الجميع عن أصل ادعاء النص التشخيصي) أو (اقتران هلاك المدعي الباطل بادعائه له).

به هر کسی که این کتاب را خوانده است می‌گویم:

دلیل عقلی که سید احمد الحسن (ع) در کتابش تشریح نموده، محال بودن ادعای (باطل) نص به عنوان راهی برای تشخیص خلیفه خدا را ثابت می‌کند؛ که واضحاً از اساسی‌ترین لازمه‌های تنزیه خداوند سبحان جهت جلوگیری از امکان تحقق این ادعای باطل می‌باشد. اما آنچه در ابتدا از دلایل قرآنی و روایی فهمیدم «بازدارندگی عمومی از اصل ادعای باطل نص تشخیص» یا «همبستگی هلاکت مدعی باطل با ادعایش» می‌باشد.

وقد يُفهم من الشق الثاني إمكانية ادعاء النص التشخيصي من قبل مدع باطل مقروناً بهلاكه، فكيف توصل هذا المدعي الباطل إليه إذن بعد صرف الجميع عنه واستحالة ذلك عقلاً؟

آنچه از صورت دوم فهمیده می‌شود این است که امکان وقوع ادعای نص تشخیص از جانب مدعی باطل همراه با هلاکتش می‌باشد؛ حال چگونه این مدعی باطل می‌تواند به این ادعا دست یابد آن هم بعد از بازدارندگی عمومی آن و محال بودن آن از نظر عقلی؟!

هذا تساؤل خطر في بالي عند قراءتي للكلام، فأوضح (ع) قائلاً:

لا، ليس كذلك وفقك الله. النص القرآني والروائي أيضاً في نفس معنى الدليل العقلي، إنما هو بيان الحماية الإلهية للنص بهلاك المدعي، وليس المراد إمكان تحقق الادعاء، تماماً كفرض المحال.

هنگام مطالعه کتاب، این سؤال به ذهنم خطور کرد و ایشان (ع) برایم واضح فرمود:

نه، این گونه نیست. خداوند توفیقت دهد! نص قرآنی و روایی نیز به خودی خود دلالت بر دلیل عقلی دارد و به معنی حمایت الهی از نص با هلاکت مدعی (باطل) می‌باشد و به فرض محال، به معنی امکان تحقق ادعای باطل نمی‌باشد.

وعبارة: (أو على الأقل فإنّ ادعاءه لها مقرون بهلاکه قبل أن يظهر للناس)، هي فرض لأقصى ما يمكن أن يصل له الادعاء، وليس معنى الفرض أنّ الأمر ممكن التحقق، ولكن نقول: لو تحقق هذا فلا يضر؛ لأنّ تحقق هذا الادعاء إلى هذه المرحلة لا يضر بكون النص محمياً، فالحماية المهمة هي من أن يدعيه إنسان معلناً ادعاءه لغيره، أما لو فرضنا أنه ادّعاه بينه وبين نفسه وأهلكه الله قبل أن يخرج ما في نفسه، فهذا الأمر لا يضر بكون النص محمياً. إنما الفرض لبيان معنى الحماية وتقريب الصورة وحدها إلى أبعد ما يمكن من التوضيح .

عبارت: «حداقل ادعای آن همراه با هلاکت او قبل از آشکار شدن برای مردم است» به معنی بعید بودن امکان وصول به این ادعا می‌باشد و به این معنی نیست که این رویداد امکان محقق شدن را داشته باشد؛ ولی ما می‌گوییم: حتی اگر چنین چیزی

محقق شود، باز هم ضرری نخواهد داشت؛ زیرا تحقق این ادعا تا این مرحله هیچ آسیبی به نص بازدارنده نمی‌رساند. پشتیبانی رسالت یعنی آن که شخص (باطل) آن را نتواند آشکارا نزد دیگری ادعا کند اما اگر فرض کنیم که او آن را صرفاً پیش خودش ادعا کند و قبل از آن که بتواند آنچه در درونش قرار دارد را آشکار کند، خداوند هلاکش نماید، این مساله ضرری برای نص بازدارنده ایجاد نمی‌کند. تنها چیزی که لازم است بیان معنی حمایت (نص) و جدا کردن تنها حالت ممکن از بعیدترین حالت‌هایی است که می‌تواند پیش بیاید.